



دونگا، اسکولاری دوم ۲۴



این راه من بود ۲۴



بازتاب های یک توپ بیضی ۲۵



هرقت خواستی برو ۲۶



دقیقه صفر

ماندن قریب و منافع باشگاه استقلال

حسین قریب در باشگاه استقلال ماند . حتماً می دانید تا سه شنبه شب هفته گذشته قرار بود قریب از استقلال برود و یکی دیگر جای او را بگیرد، قرار بود این یک نفر از بین علی فتح الله زاده و منوچهر صالحی انتخاب شود و قرار بود هیات مدیره در نشست چهارشنبه صبحش مدیرعامل جدید را معرفی کند . اما به یک باره همه چیز تغییر کرد و حسین قریب با پنج رای موافق اعضای هیات مدیره، مدیرعامل استقلال باقی ماند و جالب اینکه همان تصمیم هایی که از طرف قریب گرفته شده بود و هیات مدیره را به اعتراض واداشته بود هم پذیرفته شد، یعنی صمد مرفاوی سرمربی استقلال شد و امیر قلعه نویی مدیر فنی . با این وصف، آیا ماندن قریب هم به نفع باشگاه استقلال تمام شده است:

۱ – حسین قریب آدم آرامی است، از مدیران بلندپایه جهاد بوده و مدیریت جهادی را دوست دارد . کارهای خوبی می کند اما دوست ندارد این کارها را به رخ بکشد و بگوید که من چه کارهایی کرده ام و چه کارهایی نکرده ام و با این روحیه ای که دارد خیلی دوست ندارد با رسانه ها به گفت وگو بنشیند و درباره فعالیت هایش سخن بگوید . همین سبب شده بدنه فوتبال ایران کمتر با آرای او آشنا باشد، سبب شده با هر انتقادی از طرف مخالفان، آنها به منتقدان جدی او بدل شوند . یکی از این انتقادات که هفته های گذشته فشار زیادی را به مدیرعامل وارد کرده، انتخاب صمد مرفاوی به عنوان سرمربی استقلال بوده . چیزی که قریب را تا پای استعفا هم پیش برد و شاید اگر سازمان تربیت بدنی دخالت نمی کرد او تا حالا از استقلال رفته بود.

۲ – حسین قریب از طرفداران مربی خارجی است . این را در نشست هم اندیشی رئیس سازمان ورزش با اهالی فوتبال دیدیم و دیدیم که قریب تنها نفری بود که برای توسعه فوتبال ایران از حضور یک مربی درجه یک خارجی بر سر تیم ملی فوتبال ایران دفاع کرد . اما چه پیش آمده که در سه سال گذشته او به امیر قلعه نویی اعتماد کرده و امسال هم با رفتن قلعه نویی، سوت را دست صمد مرفاوی داده تا او هدایت استقلال را بر عهده بگیرد؟ برای اینکه به پاسخ این سؤال برسیم، باید پاسخ مصطفی دیزلی را به پیشنهاد باشگاه استقلال – که چندی پیش ارائه شده بود – بیآوریم: «علاوه بر دستمزد، زمین تمرینی را می خواهم که رختکن مناسبی داشته باشد و در آن رختکن امکان دوش گرفتن برای همه بازیکنان وجود داشته باشد و باشگاه مشکل مالی نداشته باشد که بازیکنان از این نظر دغدغه داشته باشند.» و خلاصه اینکه امکانات باشگاه باید مثل یک باشگاه درجه یک خارجی باشد . اما آیا استقلال این امکانات را داشت؟

۳ – حسین قریب انتخاب وزارت رفاه برای مدیرعاملی باشگاه استقلال است . حتماً می دانید سازمان ورزش اداره باشگاه استقلال را برای ده سال به وزارت رفاه سپرد، تا این وزارتخانه بخش کوچکی از درآمد هایش را در این باشگاه سرمایه گذاری کند . روز اول استقلاللی ها خوشحال بودند که با این تصمیم سازمان ورزش، مشکلات مالی آنها برطرف شده و خیلی راحت می توانند برای باشگاه برنامه ریزی کنند . همان روز گفتم می شد ورزشگاه تختی هم، و ورزشگاه اختصاصی باشگاه استقلال است . اما در ادامه نه مشکلات مالی استقلال برطرف شد و نه ورزشگاه تختی به استقلال رسید . جالب است بدانید استقلال برای جشن قهرمانی اش به ده میلیون تومان پول نیاز داشت که این پول از طرف هیات مدیره تأمین نشد . نه فقط آن پول، بلکه پولی که مدیرعامل برای حضور قدرتمند در لیگ قهرمانان آسیا و بستن تیمی خوب درخواست کرده بود، نرسید تا استقلال یکی از ضعیف ترین تیم های فصل نقل و انتقالات باشد؛ نیکبخت تا از دست بدهد، نتواند با مجبئی جباری قرارداد جدیدی را امضا کند، بازگفتی دلخواهش را در تیم های دیگر ببیند و از همه مهمتر پس از رفتن امیر قلعه نویی، نتواند یک سرمربی خارجی مناسب بیآورد. این وسط مدیرعامل باشگاه مقصرست است یا هیات مدیره ای که از وزارت رفاه برآمده است؟

مهم ترین تصمیمی که مدیرعامل یک باشگاه برای تیم فوتبالش می گیرد، انتخاب سرمربی است . انتخاب فردی است که باید سیاستگذاری و سرمایه گذاری های باشگاه را به نتیجه بدل کند و حالا این تصمیم حسین قریب که صمد مرفاوی را به عنوان سرمربی استقلال معرفی کرده، نگرانی هایی را به وجود آورده . اما چنانکه در بالا آمد خود قریب هم می داند که برای استقلال باید یک سرمربی بزرگتر انتخاب کند و می داند که حالا در فوتبال ایران، مردی نیست که شایستگی نشستن بر نیکت استقلال را داشته باشد و برای همین به این نتیجه رسیده که باید یک مربی خارجی بزرگ را برای استقلال بیآورد، اما با شناختی که از مربیانی چون آری هان و مصطفی دیزلی به دست آورده ایم، مثل قریب و همکارانش به این رسیده ایم که آمدن چنین مربیانی با شرایط امروز باشگاه استقلال سازگار نیست . یادتان نرفته که دیزلی سال گذشته به خاطر عقب افتادن پاداش بازیکنان پاس چه رفتاری را از خود نشان داد و اعتراض های آری هان را در هم که هنوز فراموش نکرده اید.

ادامه در صفحه۲۶



نقش ها، میدان پلیس لندن

اولین تجربه بین المللی بانوان سوارکار ایران

دختران چوگان

آرش راهبر

پاکستانی گوی را به وسط زمین می آورد و به زمین پرت می کند . دوباره این انگلیسی ها هستند که چوگان می زنند . سبزه ها هنوز خودشان را باور ندارند که سفیدها از روی نقطه پناثی ۶۰ یارد گل چهارم را هم می زنند . در چوکه دوم اوضاع کمی بهتر می شود انگلیسی ها به شش گل رسیده اند اما بالاخره دختران ایرانی به گل می رسند . غزاله امیرابراهیمی بعد از یک کورس طولانی گوی را به سمت دروازه حریف برده و کار را تمام می کند . تماشاگران به وجد می آیند و حسابی تشویق می کنند . اینجا هم انگار میدان فوتبال است، انگلیسی ها بیشتر تیمی کار می کنند و سبزه های ایران تکی ، غزاله مثل علی کریمی گوی را برمی دارد و فرار می کند و همین دربیلینگ است که همه را سرحال



می آورد . کارولین جایلز اما به سرعت نتیجه را ۳-۷ و بعد ۳-۸ می کند . نیمه اول با همین نتیجه تمام می شود و اسب و سوار می روند زیر سایه چنار تا چند دقیقه ای استراحت کنند . در جایگاه تماشاگران یک نفر می گوید: «چوکه به چوکه بهتر می شویم . . . مطمئن . . .»

کارولین جایلز که نهمین گل را می زند دیگر کسی حال تشویق کردن ندارد . همه منتظرند که غزاله کار بکند . اسب ها کف به دهان دنبال می دوند و چوب ها در هوا می چرخند . غزاله توی شلوغی توپ را از خط می گذراند و دوباره شادی به اردوی ایران برمی گردد. اوضاع سبزه ها بهتر شده و حالا دارند موی دماغ سفیدها می شوند.

تکس وبستر برای ایران پناثی ۶۰ یارد می گیرد و غزاله امیرابراهیمی با دورخیز مناسبی گوی را شلیک می کند .

همه کودکان را به میدان فرست به بازیاند گوی و چوگان فرست

دخترها کنار جوی آب و زیر سایه چنارهای بلند نشسته اند . اضطراب دارند و دل توی دلشان نیست . گه گاه نگاهی به اسب ها می اندازند و بعد به میدان که روبه روی آنها است . دروازه ها از قلب تاریخ آمده اند، دو میله موازی که فاصله شان حدود ۳۰۰متر است . زمین ۶۰ هزار متری تا چند دقیقه دگر زیر سم اسبان خواهد لرزید و افسار در دست دخترکانی است که به سمت گوی می رانند . دختران ایران لباس سبز پوشیده اند و با ساز و برگ سوار می شوند . دختران انگلستان هم جامه سفید به تن کرده اند و اسب ها را هی می کنند . کارگران دم اسب ها را گره می زنند . زین و برگ را سوار می کنند .

کنار دروازه شمالی «ستار» سوار بر اسب کهر اوضاع را ورنانداز می کند و تکس وبستر هم با آن عینک آفتابی و کلاه لبه دار با دختران انگلیسی حرف می زند . ستار از پاکستان آمده و وبستر از استرالیا تا داور بازی های سه جانبه چوگان دختران ایران، استرالیا و انگلستان باشند .

دختران ایران آماده ورود به میدان می شوند . کتابون سوار بر رویا است ، نادیا سان لایت را نوازش می کند، غزاله روی زین آویلا است و هاله هم با راما می تازد . انگلیسی ها هم اسب های کهر را سوار شده اند . دهنه ماه بانو در دست لوثیز است، آنا «آقا» را می راند، کارولین کاپیتان تیم «نور»را انتخاب کرده و هلوتیز هم فونیکس را هی می کند .

راس ساعت شش بعدازظهر قرار است اولین مسابقه بین المللی دختران چوگان بازی ایرانی آغاز شود و پیش از آغاز فرصت خوبی برای یادآوری خاطرات است .

دختران ایران یک ماهی است که دوباره کنار هم جمع شده اند . کتابون از آمریکا آمده ، نادیا از آلمان و غزاله هم چند وقتی است که در اهواز درس می خواند . تیم چهار نفره ایران دو هفته ای تمرین کرده اند تا در برابر دوتا از بهترین تیم های دنیا یعنی انگلستان بازی کنند .

اوضاع به شدت هیجان انگیز است طوری که دخترها پیش از شروع نمی دانند به کدام سمت بروند . اینجا «کانون چوگان» است و آفتاب گرم تابستانی به شدت می تابد .

■ ■ ■

دو تیم به خط شده اند، روبه روی جایگاه . گوینده فهرست دو تیم را می خواند و دخترها به ترتیب اسب را هی می کنند و پیش می آیند و بعد از یک دور می روند سرچایشان . رتبه و امتیاز هر یک از سوارها هم خوانده می شود و طبق قانون به تیم ضعیف تر یعنی ایران دو گل به صورت آواتاژ داده می شود .

بازی که شروع می شود ایران ۰-۲ جلو است اما خیلی زود تابلوی نتایج تغییر می کند .

چوکه (یک چهارم زمان بازی معادل ۷/۵ دقیقه) اول آغاز شده و سفیدها خیلی سریع گوی را می رانند . سبزه ها تا به خودشان ببینند یک گل می خورند . راجا ستار

خبر آخر

گلزنی زندی کنار شوماخر

ایسنا : فریدون زندی پنجشنبه گذشته در دیداری دوستانه و خیریه در آلمان شرکت کرد و موفق به گلزنی شد . در این بازی که با عنوان «بازی قلب ها» در مانهایم برگزار شد، بازیکنان تیم «قرمز» در نهایت در ضربه های پناثی با نتیجه نه بر هفت تیم «آبی» را شکست دادند . تیم قرمز پوش این میدان را میثائیل شوماخر راننده پرسابقه فرمول یک رهبری می کرد . در مقابل هم تیل شوایگر و مارک کلر دو نفر از هنرمندان آلمانی ، بازیکنان تیم آبی پوش میدان را انتخاب کرده بودند . پانزده هزار تماشاگر حاضر در ورزشگاه کارل بنز هم به تماشای این بازی آمده بودند . ازجمله بازیکنان مطرح این بازی کریستف متزلدر (بازیکن تیم ملی آلمان)، مارویو باسلر (بازیکن سال های دور بایرن)، فریدون زندی، اشتفان فرونید و مائو رتسیسو گائودینو بودند . زندی که در تیم قرمزها (شوماخر) حضور داشت در دقیقه بیست و دوم بازی برای تیمش گلزنی کرد .

امارات، کنسل

شرق : بعد از لغو بازی تیم ملی با استقلال اهواز، مسابقه با امارات هم متغی است . ایسنا دیروز گزارش داد: «تیم ملی امارات برای کسب آمادگی با تیم های فترباغچه، گالاتاسرای و رئال مادرید دیدار دوستانه انجام خواهد داد . شاگردان برونو متسو پیش از دیدار خود برابر اردن که قرار است روز سوم مسابقات گروه C و در ورزشگاه بین المللی امان برگزار شود، در دو بازی دوستانه در روز های یازدهم و هفدهم مرداد به مصاف تیم های فترباغچه و گالاتاسرای ترکیه می روند . پس از آن تیم ملی امارات برای دیدار برابر رئال مادرید راهی اسپانیا می شود و سپس پنجم شهریور رودروی عربستان قرار می گیرد . پیش از این از امارات به عنوان حریف تدارکاتی تیم ملی ایران در روز هفدهم مرداد نام برده می شد اما با توجه به اعلام برنامه تیم ملی امارات ، این قضیه متغی شد .»

رضایتنامه کعبی صادر شد

ایرنا : باشگاه فولاد رضایتنامه حسین کعبی را صادر کرد . رضایتان مدیرعامل فولاد پیش از این اعلام کرده بود که کعبی تا شهرپور ماه آینده با این باشگاه قرارداد دارد . به این ترتیب باشگاه فولاد پیش از موعد مقرر اقدام به دادن رضایتنامه به این بازیکن کرد . کعبی روز پنجشنبه برای ثبت رضایتنامه خود به هیات فوتبال خوزستان مراجعه کرد اما به علت آنکه فیش مالیاتی تهیه نکرده بود، این کار صورت نگرفت . مسئول روابط عمومی هیات فوتبال خوزستان گفت : قرار شد پس از تهیه فیش مربوطه قرارداد کعبی روز شنبه ثبت شود .

ایران-تایوان در شهرداری

ایرنا : سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد دیدار ایران و تایوان در چارچوب رقابت های فوتبال مقدماتی جام ملت های آسیا در ورزشگاه شهرداری شهر تایپه برگزار خواهد شد . پیش از این قرار بود این دیدار روز ۱۹ مهر ماه در ورزشگاه چونگسان این کشور برگزار شود .